



نرود میخ آهین در سنگ

مدت هاست تعداد افرادی که در خدمت ممالک اجنبی قرار دارند، برای از بین بردن هویت، زبان و کلتور وطن دست و آستین را بر زده و چپ و راست می خواهند با نام و نشان، با زبان و عنعنات افغانستان عزیز بازی خطرناک را به راه اندازند.

این وامانده ها و سبیل مانده ها بیگانه و پگاه مصروف تخریب هویت ملی به نفع ممالک اجنبی اند، یکی می خواهد نام نامی افغانستان را خراسان سازد، و آن دیگری از ملیت و افغان بودن خود انکار می کند و به تقلید از بادران ایرانی- افغانستانی و افغانی، و ترمینولوژی های مقبول و شناخته شده و تثبیت شده کشور را می خواهند فدای سر بادران اجنبی خود نمایند.

در مورد نام های با مسمای، پوهنتون، پوهنخی، بنونخی و غیره و هم در مورد رتب علمی، مانند نامزد پوهیالی، پوهیالی، پوهنیار، پوهنمل، پوهندوی، پوهنوال و پوهاند، و همچنین رتب نظامی که همه و همه مختص به افغانستان بوده و با همین مشخصات مختص خود این کشور سربلند نامش در جریده عالم ثبت گردیده است، را تغییر دهند و...

نمی خواهم گپ به درازا بکشد و از طرف دیگر یکی از هموطنان معزز ما در جواب یاوه سرایان ایرانی پرست مضمون جامع، مفصل و فوق العاده عام الفهم با مثال های متنوع تقدیم همه هموطنان نموده است، اما و مگر اگر کسی گوش شنوا و چشم بینا نداشته و به لجاجت و حماقت راهی را که در پیش گرفته اند دوام دهند، در حقیقت به ریش هفت پشت خود خندیده اند. بد تر از همه اینکه تعداد دیگری که بعضی شان کوشیده اند که خود را در لفافه ها پوشیده نگهدارند، سر بیرون می کشند و به طرفداری از سرسپردگان ایران و زبان شان در صفحه نظریات (یک سایت معلوم الحال) روی کاغذ را سیاه می نمایند، مثلاً چنین یاوه سرایی می کنند:

که اگر در ولایات بلخ، پروان و هرات، که دری زبان اند یک مجمعه علمی بوجود آید، نامش چه گذاشته شود؟

خداوند این اشخاص را به راه درست هدایت نماید(**نرود میخ آهنین در سنگ**) آیا بیخبر هستند که اول در همه ولایات افغانستان همه اقوام شریف افغانستان باهم همزیستی مسالمت آمیز و برادرانه دارند و از جانب دیگر در این ولایات مجموعه فاکولته ها وجود دارند و نام همه هم پوهنتون است، عجیب و قابل تعجب است که آقای محترم خبر ندارند.(**این آقای نامحترم خوب است که در گم نامی بمیرد و این آرزوی ناپاک را با خود به گور ببرد**)

مثال برجسته از ولایت غزنی که زمانی مهد تمدن و تجمع دانشمندان بوده و آرامگاه مردان بزرگ مانند ابوریحان البیرونی و سنائی غزنوی و... در آن ماوا موجود بودند. اکثر اقوام افغانستان عزیز، تاجک، پشتون، هزاره، ازبک و... و سیک ها برداروار در پهلوی هم زندگی می کنند و هیچ نیروی نخواهد توانست که همزیستی اقوام افغانستان را با خدمت نمودن به کشور های بیگانه بر هم بزند.

این سرزمین کثیر الاقوام در طول تاریخ پر افتخار خود در مقابل بیگانه ها و بیگانه پرستان امتحان خود را داده اند، و هیچ وقت گول اجانب را نخورده اند.(**به جز از خلقی ها و پرچی ها که اصلاً از این مرز و بوم نبوده و ریشه روسی داشتند.**)

تأسف و تأثر ملت افغان در این است که از چهل و چند سال به این سو، افغانستان از دست فرزندان ناخلف، "به اصطلاح تعلیم یافته" (به فضل خداوند که تعلیم یافته های وطن پرست نیز داریم، که کدام غلط فهمی رخ ندهد) و فروخته شده به اجانب ضربات شدیدی را متحمل شد، اما فرزندان اصیل این مرز و بوم از همه اقوام با هم متحد شدند و با سربلند وطن عزیز را نجات دادند.

ضربه کودتای هفت ثور سال ۱۳۵۷ به دست حزب نادموکراتیک در خدمت روسیه شوروی آنقدر وخیم بود که نتنها وطن را تا به امروز به قهقرا برد، بلکه تفاله های این حزبک ناکام هر روز بالای زخم ملت افغان نمک پاش می دهند و تحت عنوان های مختلف به تبلیغات شان دوام می دهند یکی از روسیه و پوتین خونخوار قهرمان می سازد و دیگری زیر پوشش فلان پادشاه افکار غیر قابل قبول خود را پخش می کند که شرم و ننگ به همه این وطنفروشان باد.

در اخیر فقط به تذکر و تکرار این مثل که "**نرود میخ آهنین در سنگ**" کفایت می کنم.

استقلال- خپلواکی : **نیست یک گندم خیانت در سرشت آسمان**

هر چه بردی، جو به جو پس می دهد این آسیاب